

Structural Equation Modelling of Couples' Satisfaction Based on Five Factor Neo Personality Components by the Mediating Role of Mother-Child Relationship

Rozita Parpaei¹ | Hassan Amiri² | Mokhtar Arefi³

Research Paper

Received:
14 July 2021
Accepted:
6 July 2022
P.P: 179-193

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

This study aimed at comparing of the effectiveness of attachment-narrative therapy and unified transdiagnostic therapy on sense of coherence in distressed couples. The statistical population consisted of couples visiting the Counseling Center of Education Department of Khorramabad, Iran. Non-random sampling was used to select samples from 6 distressed couples using Snyder's Marital Distress Questionnaire (1997). A single-subject design with non-concurrent multiple baselines was used. Attachment-narrative therapy and transdiagnostic protocols were used in 2-4 baseline stages, with fourteen and twelve 60- and 90-minute intervention sessions, respectively, with a 2-month follow-up. Subjects completed Antonovsky's Sense of Coherence Scale (1987). Data were analyzed using visual inspection, reliable change index (RCI), and the percent change formula. In the attachment-narrative group, the percent change for sense of coherence was 44.36% and 48.20% in the post-treatment and follow-up stages, respectively, and in the unified transdiagnostic group in the post-treatment and follow-up stages was 54.87% and 61.46%, respectively. According to the findings, both unified transdiagnostic couple therapy and attachment-narrative couple therapy were effective in increasing the sense of coherence. Unified transdiagnostic couple therapy proved to be more effective and persisted during the follow-up stage.

Keywords: Sense of Coherence, Attachment-Narrative, Distressed Couples, Unified Transdiagnostic.

DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.60.7.0

1. Ph.D. Candidate, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Ahasan.amiri@iauksh.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Psychology and Counseling, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

الگوی معادلات ساختاری رضایتمندی زوجین بر اساس مؤلفه‌های شخصیتی پنج عاملی نئو با میانجیگری ارتباط مادر- فرزند

رزیتا پاراپایی^۱ | حسن امیری^۲ | مختار عارفی^۳

۶۰

سال هفدهم
پاییز ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۴/۱۵

صص: ۱۷۹-۱۹۳

شاپا چاپی: ۴۶۴۵-۴۹۵۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



چکیده

پژوهش حاضر با هدف الگوی معادلات ساختاری رضایتمندی زوجین با بررسی نقش مؤلفه‌های شخصیتی ۵ عاملی نئو و نقش میانجیگری رابطه مادر- فرزند انجام شد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه ششم دبستان‌های پسرانه و دخترانه شهر شیراز در سال ۱۳۹۷ به همراه مادرشان بودند که از میان آن‌ها ۲۶۰ نفر به‌عنوان نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای از نه منطقه آموزش و پرورش شهر شیراز انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو (۱۹۹۲)، مقیاس زوجی انریچ (۱۹۸۹) و روابط والد-فرزندی فاین و همکاران (۱۹۸۳) استفاده شد. داده‌ها با روش آماری همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها بین عامل شخصیتی روان‌آزردگی و رضایت زناشویی رابطه منفی نشان دادند، ولی عوامل شخصیتی انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و مسئولیت‌پذیری با رضایتمندی زوجین رابطه مثبت داشت. همچنین متغیر رابطه مادر و فرزند رضایت زناشویی را در جهت مثبت پیش‌بینی می‌کند. از آنجاکه صفات شخصیتی به‌عنوان پیش‌آمدگی‌هایی که افراد با خود در روابط زناشویی وارد می‌کنند می‌توانند بر سازه‌های میانجیگر از جمله رابطه مادر- فرزند اثرگذار باشند؛ بنابراین، رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل درون فردی به‌ویژه ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد. نتایج حاکی از آن بود که ویژگی‌های شخصیتی با نقش میانجی ارتباط مادر- فرزند می‌توانند رضایت زناشویی را تبیین کنند ($P \leq 0/01$).

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های ویژگی شخصیتی؛ رضایتمندی زوجین؛ ارتباط مادر- فرزند.

DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.60.7.0

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
Ahasan.amiri@iauaksh.ac.ir
۳. دانشیار، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

ازدواج در همه جوامع امری مهم شمرده می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر کسی یک هدف مهم به شمار می‌رود (شکری و همکاران، ۱۴۰۰). از آنجاکه زن و شوهر قلب زندگی ارتباطی یک خانواده هستند (نیک‌نژاد و عسگری، ۱۳۹۸)، آنچه در یک ازدواج به زبان ساده بسیار مهم است، احساس رضایت زوجین از ازدواج است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹). روابط زناشویی رضایت‌بخش، سنگ زیرین عملکرد خوب خانواده را بنا می‌نهد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، فرزندپروری مؤثر را تسهیل کرده، روابط فرزندان با یکدیگر و با والدین را بهبود می‌بخشد و باعث رشد شایستگی، توانایی سازگاری و انطباق در کودکان می‌شود (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹).

رضایت زناشویی، یکی از شاخص‌های مهم ازدواج موفق، بقا و سلامت خانواده محسوب می‌شود و به شادی و لذت از روابط میان افراد متأهل مرتبط است (زارع درخشان و روشن چسلی، ۱۳۹۹). رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می‌شود (وایزمن و همکاران^۱، ۲۰۱۸). در تعریفی دیگر، رضایت زناشویی ارزیابی کلی ذهنی فرد از رابطه زوجی و میزان برآورده شدن نیازها، خواسته‌ها و آرزوها در نظر گرفته می‌شود. از آنجاکه تعامل‌های زوجین با یکدیگر بر کنش زناشویی آنان اثر می‌گذارد رضایت فرد از زندگی زناشویی به‌منزله رضایت وی از خانواده بوده و رضایت از خانواده در حکم رضایت از زندگی به‌طور کلی می‌باشد (یاریگر روش و همکاران، ۱۳۹۸).

سؤال مهم این است که چه عواملی در رضایتمندی زناشویی دخیل هستند؟ از جمله عوامل مؤثر در تعیین میزان رضایت زناشویی افراد می‌توان به متغیرهای خانوادگی و ویژگی‌های فردی افراد اشاره کرد. بررسی عوامل مؤثر در رضایت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که رضایت فرد از زندگی زناشویی بخش مهمی از سلامت فردی محسوب می‌گردد (خومیه هو و تارزنش^۲، ۲۰۱۹).

1. Whisman et al
2. Xuemei Hu & Tarrezz Nash

از سوی دیگر روان‌شناسان معتقدند هر رفتاری که فرد از خود نشان می‌دهد تحت تأثیر عوامل بسیاری همچون عوامل محیطی، عاطفی و شخصیتی می‌باشد. مقصود از عوامل شخصیتی در واقع همان ویژگی‌های شخصیتی است که می‌تواند یک فرد را مستعد بروز یک سری از رفتارها نماید، در صورتی که ممکن است فردی با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت دست به چنین رفتارهایی نزنند؛ بنابراین عوامل شخصیتی یکی از مهم‌ترین عواملی است که قادر به شناخت پیچیدگی‌های رفتار انسان در موقعیت‌های مختلف است (گایدی و همکاران^۱، ۲۰۱۹). ویژگی‌های شخصیتی به مجموع ویژگی‌هایی که در وجود یک فرد تقریباً به‌طور دائم وجود دارد و موجب تمایز وی از سایرین می‌شود اطلاق می‌گردد. مدل پنج عامل بزرگ شخصیت به‌عنوان چارچوبی بااهمیت در درک ساختار رفتار آدمی مورد توجه پژوهشگران بوده و هر کجا به دنبال تبیین رفتار هستند به‌عنوان یک متغیر مهم در نظر گرفته می‌شود. این مدل، پنج ویژگی شخصیتی شامل روان‌آزردگی^۲، برون‌گرایی^۳، باز بودن به تجربه^۴، توافق‌پذیری^۵ و وجدان‌گرایی^۶ را بررسی می‌کند (بنزی و همکاران^۷، ۲۰۱۹).

از آنجا که تأثیر خانواده در رشد همه‌جانبه کودک، از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود، عوامل متعددی در سلامت روانی کودک مؤثرند که یکی از آن‌ها چگونگی تعامل والدین و کودک است. منظور از ارتباط والد-کودک این است که والدین احساسات، انتظارات و نگرش‌های خود نسبت به فرزند را بیان می‌کنند و به‌طور متقابل انتظارات و احساسات فرزند و نیازهای او را درک می‌کنند و مورد توجه قرار می‌دهند (شفیعی کندجانی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به این که برای کودک در سال‌های اولیه تنها روابط موجود، رابطه با والدینش می‌باشد و کودک اولین و حساس‌ترین دوره سنی و بیشترین اوقات خود را در کنار خانواده می‌گذراند، بهترین و مؤثرترین نتایج را در سلامت و بهداشت روانی او خواهد داشت؛

1. Guidi et al
2. Neuroticism
3. Extraversion
4. Openness Experience
5. Agreeableness
6. Conscientiousness
7. Benzi et al

بنابراین پدر و مادر اولین کسانی هستند که کودک از آن‌ها تقلید می‌کند و با توجه به حرکات و رفتار اطرافیان شخصیت کودک تکوین می‌یابد (احمدی فارسانی و همکاران، ۱۳۹۹). به دلیل اینکه رضایت سازه‌ای مهم در زندگی زناشویی محسوب می‌شود و کارکرد مهمی در حفظ، رضایت و سلامت ازدواج دارد؛ لذا انجام پژوهش‌هایی از این دست برای دستیابی به عوامل اثرگذار بر افزایش میزان ثبات و رضایت زوجها، شناخت درست همبسته‌های مهم سازه رضایت زناشویی و عوامل مؤثر من جمله رابطه مادر-فرزندی ضرورت دارد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت رابطه زوجین در فرایند نظام خانواده، این پژوهش به دنبال آن است که به بررسی رابطه مؤلفه‌های پنج عاملی شخصیتی با رضایتمندی زوجین بر اساس نقش واسطه‌ای ارتباط مادر-فرزند در قالب الگوی ساختاری بپردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش روابط متغیرها به صورت مدل علی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از لحاظ روش یک پژوهش پیمایشی است و در طرح پژوهش از تحلیل ماتریس کواریانس (تحلیل مدل معادلات ساختاری) استفاده شد. جامعه آماری را دانش‌آموزان پایه ششم دبستان‌های پسرانه و دخترانه شهر شیراز به همراه مادرشان به تعداد ۹۲۳۳۱ نفر است. حجم نمونه پژوهش ۲۶۰ نفر در سال ۱۳۹۷ انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از ۹ منطقه آموزش و پرورش شهر شیراز با توجه به جنسیت دانش‌آموزان بدین صورت که از هر منطقه به صورت تصادفی یک دبستان دخترانه و یک دبستان پسرانه انتخاب شد. فرایند اجرا بدین شرح بود که با حضور در مدارس در مورد اهداف اجرای این پژوهش با مسئولین هماهنگی انجام شد و در ادامه پس از ایجاد ارتباط اولیه از طریق بیان اهمیت و اهداف پژوهش و ایجاد حس اعتماد، پرسشنامه‌ها را به همراه مادرشان تکمیل کردند. با توجه به هدف پژوهش، نمره رضایت زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی و ارتباط مادر و فرزند تحلیل شدند. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی، شامل میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. با توجه به این که در پژوهش حاضر روابط میان متغیرها در چارچوب الگوی علی مطالعه می‌شود برای بررسی مدل مفروض از آمار استنباطی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو^۱:

این مقیاس فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدیدنظر شده NEO-RI-R است که توسط کاستا و مک کری^۲ (۱۹۹۹) برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی شخصیت طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ ماده است که پنج بعد شخصیت به‌هنگار را که عبارت‌اند از روان‌آزردگی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق و وجدانی بودن را می‌سنجد و بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. پایایی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر به دست آمد (کاستا و مک کری، ۱۹۹۹) و روایی هم‌زمان پرسشنامه با پرسشنامه‌های مایرز بریگز، گیلفورد و زاگرن، پرسشنامه شخصیتی مینه‌سوتا و پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا بالا گزارش شده است. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۲ به دست آمد.

مقیاس زوجی انریچ^۳:

برای بررسی میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه انریچ انتخاب شده است. این پرسشنامه به‌عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات و کارهای بالینی متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. فاووز و السون^۴ (۱۹۸۹) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کردند و معتقدند که این مقیاس، مربوط می‌شود به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می‌دهد و همچنین در این خصوص به تغییراتی حساس است که در خانواده به وجود می‌آید. بدین منظور، از فرم کوتاه مقیاس انریچ که شامل ۴ خرده‌مقیاس ۳۵ ماده‌ای می‌باشد استفاده گردید. هر یک از موضوعات این پرسشنامه، در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوج‌ها را توصیف کند یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آن‌ها را مشخص نماید. طیف نمره‌گذاری این مقیاس پنج‌گزینه‌ای و برای هر یک از ماده‌ها کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالف، مخالفم، کاملاً مخالفم در نظر گرفته شده است (آسوده^۵،

1. NEO-FFI
2. Costa & McCrae
3. ENRICH Couple Scales
4. Fowers & Olson
5. Asoodeh

۲۰۱۰). ضریب آلفای پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است. آسوده و همکاران آلفای ۰/۶۸ را برای این پرسشنامه گزارش کردند. میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه رابطه والد-فرزندی^۱:

نسخه اصلی این پرسشنامه توسط فاین، مورلند و شوبل^۲ در سال ۱۹۸۳ تهیه شده است. این ابزار ۲۴ سؤالی برای سنجیدن رابطه هر کودکی (حتی خردسالان) با والدینشان مفید است. این مقیاس دو شکل دارد: یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی برای سنجش رابطه فرزند با پدر. در این پژوهش از فرم مادر استفاده شده است. پایایی آن با ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای عوامل و با آلفای کلی ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است و روایی آزمونی از روایی پیش‌بین خوبی بهره‌مند است و فرزندان طلاق و یکپارچه را از هم متمایز می‌سازد (ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹). میزان ضریب قابلیت اعتماد با روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۰ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان بدین شرح است: تعداد مشارکت‌کنندگان پسر ۱۳۲ نفر و تعداد مشارکت‌کنندگان دختر ۱۲۸ نفر، ۵۵/۳ درصد از آن‌ها فرزند اول، ۳۴ درصد فرزند دوم و ۱۰/۷ درصد فرزند سوم می‌باشند. دامنه سنی مادران در پژوهش ۲۹ تا ۴۵ سال با میانگین ۳۷ سال است. از نظر شرایط تحصیلی می‌توان برای مادران ۲/۵۷ درصد سیکل، ۵۲ درصد دیپلم و ۳۶/۴ درصد کارشناسی به بالا و ۲۷/۵ درصد شاغل و ۷۲/۵ درصد خانه‌دار را گزارش کرد. همچنین ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان وضعیت اقتصادی ضعیف و ۶۲ درصد وضعیت اقتصادی متوسط به بالا را گزارش کرده‌اند.

ماتریس همبستگی متغیرهای موردبررسی (رضایت زناشویی، ارتباط والد فرزند و ویژگی‌های شخصیتی) در جدول ۲ ارائه می‌شود. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه برون‌گرایی با رضایت زناشویی (۰/۴۱۷) و کمترین

1. Parent Child Relationship Scale
2. Fine et al

ضریب همبستگی مربوط به رابطه انعطاف پذیری با روان آزرده‌گی (۰/۰۱) می‌باشد (سطوح معنی‌داری برای همه ضرایب $P \leq 0/01$ است).

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرها در پژوهش حاضر

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
رضایت زناشویی	۱						
ارتباط مادر فرزندی	.۳۶۶**	۱					
روان آزرده‌گی	-.۲۲۵**	-.۳۰۰**	۱				
انعطاف پذیری	.۲۱۶**	.۲۰۵**	.۰۱	۱			
برون‌گرایی	.۴۱۷**	.۲۷۳**	-.۰۵۱	.۱۸۲**	۱		
توافق پذیری	.۲۴۶**	.۱۸۸**	-.۰۲۳	.۲۰۳**	.۳۱۷**	۱	
مسئولیت پذیری	.۳۹۷**	.۲۲۲**	-.۱۰	.۱۳۶*	.۲۹۰**	.۰۹۰	۱

** $P \leq 0/01$

در مدل‌یابی معادلات ساختاری، برازش مدل و معناداری روابط بررسی می‌شود. به‌منظور بررسی برازنده‌گی مدل پیشنهادی از شاخص‌های برازنده‌گی استفاده شد. جدول ۲ شاخص‌های برازنده‌گی الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مهم‌ترین شاخص‌های برازش کلی مدل مفروض

شاخص‌های کلی		برازش مطلق		برازش تطبیقی		برازش مقتصد	
شاخص نمونه	CMIN	GFI	IFI	CFI	PNFI	RMSEA	مقدار
	۲۲/۱۱۰	۰/۹۷۲	۰/۹۶۶	۰/۹۶۵	۰/۶۷۰	۰/۰۸۷	

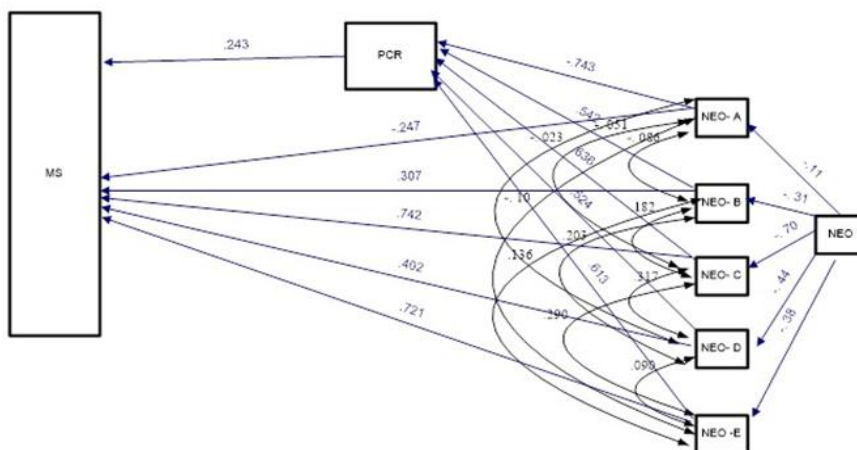
طبق مندرجات جدول ۲ مقادیر شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی، شامل شاخص‌های برازش مطلق، شاخص‌های برازش تطبیقی و شاخص‌های برازش مقتصد هستند. در این مدل ارتباط مادر - فرزند به‌عنوان متغیر واسطه‌ای عمل می‌کند که توانسته است بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای خود را ایفا کند.

جدول ۳. برآورد اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر
-۰/۴۳۹	-۰/۱۹۲	-۰/۲۴۷	روان‌آزردگی بر رضایت زناشویی
۰/۴۵۰	۰/۱۴۴	۰/۳۰۷	انعطاف‌پذیری بر رضایت زناشویی
۰/۸۸۴	۰/۱۴۲	۰/۷۴۲	برون‌گرایی بر رضایت زناشویی
۰/۵۳۹	۰/۱۳۷	۰/۴۰۲	توافق‌پذیری بر رضایت زناشویی
۰/۸۶۲	۰/۱۴۱	۰/۷۲۱	مسئولیت‌پذیری بر رضایت زناشویی
-۰/۷۴۳	-	-۰/۷۴۳	روان‌آزردگی بر رابطه مادر- فرزندی
۰/۵۴۲	-	۰/۵۴۲	انعطاف‌پذیری بر رابطه مادر- فرزندی
۰/۶۳۶	-	۰/۶۳۶	برون‌گرایی بر رابطه مادر- فرزندی
۰/۵۲۴	-	۰/۵۲۴	توافق‌پذیری بر رابطه مادر- فرزندی
۰/۶۱۳	-	۰/۶۱۳	مسئولیت‌پذیری بر رابطه مادر- فرزندی
۰/۲۴۳	-	۰/۲۴۳	رابطه مادر- فرزندی بر رضایت زناشویی

**P ≤ 0/01

جدول ۳ نشان‌دهنده میزان اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل هر متغیر نسبت به رضایت زناشویی است. مسیر مستقیم رابطه مادر- فرزندی به رضایت زناشویی (۰/۲۴۳) است که این مقدار به لحاظ آماری معنادار است. مسیر مستقیم انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری، مسئولیت‌پذیری با رابطه مادر- فرزندی و رضایت زناشویی مثبت و معنادار و مسیر مستقیم روان‌آزردگی با رابطه مادر- فرزندی و رضایت زناشویی منفی و معنی‌دار هستند.



شکل ۱. معادله ساختاری برای بررسی روابط متغیرهای پژوهش و مدل تدوین شده

بر اساس شکل ۱ مدل نظری پژوهش تائید و به عنوان مدل نهایی پژوهش پذیرفته می شود. بدین معنا که ویژگی های شخصیتی ۵ عاملی با همدیگر در کنش و تعامل و هم ارتباط مستقیم با رضایت زناشویی و هم از طریق واسطه ای رابطه مادر- فرزند است. در واقع در این مدل نشان داده شده که رابطه مادر- کودک متأثر از ویژگی های شخصیتی و تأثیرگذار بر رضایت زوجین از زندگی است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر با توجه به مدل ارائه شده و قرار دادن ارتباط مادر- فرزندی به عنوان متغیر میانجی نشان داد که مدل بیشتر انتظارات پژوهشی را برآورده ساخت. همچنین بیانگر این بود که ویژگی های شخصیتی به طور مستقیم و از خلال ارتباط مادر- فرزند به طور غیرمستقیم می توانند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. در تحلیل داده های پژوهش چنین نتیجه گیری شد که صفات روان آزرده گی به صورت منفی و برون گرایی، توافق پذیری، گشودگی و باوجدان بودن به صورت مثبت رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند. این یافته ها با نتایج حاصل از پژوهش های چهره و همکاران (۱۳۹۶)، شیخ زین الدین و همکاران (۱۳۹۷)، اسکافهارز و همکاران (۲۰۱۴) هم راستا است. از آنجا که نمره های بالا در روان آزرده گرایی با عدم ثبات عاطفی و

عواطف منفی چون ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت همراه است و کسانی که در این حیطه نمره‌های بالایی کسب می‌کنند تمایل بیشتری به تکانش‌گری، پرخاشگری و آسیب‌پذیری دارند. افرادی که در روان‌آزرده‌گرایی نمره بالایی دارند آمادگی آن‌ها برای نشان دادن اضطراب در موقعیت‌های تنیدگی‌زا بیشتر است و عمدتاً از روش‌های متمرکز بر هیجان استفاده می‌کنند (گروسی فرشی و همکاران، ۱۳۸۶).

زوج‌هایی که برون‌گرایی بالا و روان‌آزرده‌گی پایینی دارند معمولاً از روش متمرکز بر مسئله استفاده می‌کنند، به‌صورت ژنتیکی ثبات هیجانی بیشتری دارند و در نتیجه سلامت روانی بالایی دارند. زوج‌های برون‌گرا بهتر می‌توانند با تنش روزمره مقابله کنند، با احتمال بیشتری درصدد حمایت اجتماعی برمی‌آیند که به آن‌ها در کنار آمدن با تنش کمک می‌کند. برون‌گرایان به‌جای ارعاب و تهدید دیگران، از طریق نمایش جذابیت‌های خویش، دیگران را به سمت خود جلب می‌کنند. برون‌گرایی با هیجان‌های مثبتی همچون خوش‌بینی، عشق و صمیمیت همراه است، همچنین اجتماعی و فعال بودن افراد برون‌گرا نیز در تجمیع با دیگر صفات بر روابط زناشویی و در نتیجه رضایت از این رابطه تأثیر مثبت دارد. کوهی و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که عامل برون‌گرایی با تعاملات اجتماعی سروکار دارد؛ در نتیجه زوج‌هایی که روابط بین‌فردی کمتری دارند، زمانی که در روابط زناشویی دچار مشکلی می‌شوند آسیب‌پذیرترند و سرخورده‌تر می‌شوند. چهره و همکاران (۱۳۹۶) عنوان کردند که توافق‌پذیری موجب می‌شود افراد در تعامل‌های خود با دیگران بتوانند احساس خود را مهار کنند و برخورد آرامی داشته باشند. همسران توافق‌پذیر ادراک‌های مثبت‌تری از یکدیگر دارند که به‌نوبه خود می‌تواند منجر به رضایت‌مندی بیشتر و کاهش سرخورده‌گی شود. توافق‌پذیری نشان‌دهنده ویژگی‌هایی مانند همدردی نسبت به دیگران، کمک به آن‌ها و باور به این است که دیگران نیز متقابلاً کمک‌کننده هستند. میزان بالای توافق-پذیری باعث می‌شود فرد در تعاملات بین‌فردی، هیجان‌های خود را تنظیم کند، رفتارهای ملایم-تری از خود نشان دهد و تضادهای ناشی از روابط بین‌فردی را با سهولت بیشتری حل کنند که این مسئله باعث کاهش رفتارهای تعاملی منفی می‌شود؛ بنابراین، افزایش همکاری و سازگاری میان زوج‌ها حمایت بیشتری را برای هر فرد از جانب همسرش ایجاد و فاصله عاطفی میان آن‌ها را کم‌تر

می‌کند. به علاوه، افراد توافق‌پذیر معمولاً قابل‌اعتمادند و به صداقت و حسن نیت دیگران اعتقاد دارند (کوهی و همکاران، ۱۳۹۳).

افراد باز کنجکاو، منطقی و دارای نگرش آزادمنشانه می‌باشند. آن‌ها تمایل دارند که نظرات شریک خود را گوش دهند و بفهمند. همچنین افراد باز می‌توانند سختی‌ها را تحمل کنند و به تفاوت در اندیشه و رفتار احترام بگذارند، بدین گونه بسیاری از تعارضات کاهش می‌یابند و وفاق و همراهی افزایش می‌یابد. باز بودن برای زنان یک ارزش ویژه است. به‌طور کلی افزایش حس زیبایی‌پسندی، تنوع‌طلبی، کنجکاوی، پذیرش عقاید جدید و انعطاف‌پذیری باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شود. رابطه مثبت بین باوجدان بودن و رضایت زناشویی به این دلیل است که افرادی که در باوجدان بودن در حد بالایی قرار دارند نیاز به پیشرفت دارند و به همین خاطر برای نگهداری رابطه موفق خود دست به تلاش می‌زنند (کلارک و همکاران^۱، ۲۰۰۰). با توجه به موارد ذکر شده و اینکه افراد باوجدان، آمادگی مواجهه با مسائل زندگی را دارند، منظم و دارای برنامه می‌باشند، مسئولیت‌پذیرند، به اصول اخلاقی پایبندند و برای رسیدن به اهدافشان تلاشگرند.

همچنین داده‌های پژوهش نشان داد که رابطه مادر-فرزندی به صورت مثبت رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. به عبارتی، در این مدل علاوه بر ارتباط مستقیم ویژگی‌های شخصیتی ۵ عاملی و رضایت زناشویی نشان داده شده که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند با نقش واسطه‌ای رابطه مادر-فرزندی با رضایت زناشویی ارتباط داشته باشد. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های شفیع‌کنندجانی و همکاران (۱۳۹۹) و احمدی فارسانی و همکاران (۱۳۹۹) هم‌راستا است. رابطه میان مادر و کودک که از اساسی‌ترین رابطه برای کودک می‌باشد می‌تواند رضایت میان زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. کیفیت پایین رابطه میان مادر و کودک در برخی موارد می‌تواند منجر به مشکل و تعارض در روابط زناشویی شود. یکی از تنش‌های شایع در روابط زوجین اختلاف‌نظر زوجین در رابطه با نوع رفتار با کودکان است. سخت‌گیری‌ها و یا سهل‌گیری‌های بیش‌ازاندازه مادر در بسیاری از مواقع زمینه‌ساز اختلاف با همسر و نقطه شروعی برای دعوا و تنش در روابط آن‌ها است. نوع روابط با فرزندان نیز بر اساس رویکردهای تحلیلی بازتابی از روابط با والدین و خانواده‌های مبدأ است. در واقع یک فرد در نقش مادر الگویی از رفتارهای یاد گرفته شده و

1. Clark et al

درونی خود را در ارتباط با فرزندش نمایش و به اجرا می‌گذارد. در رابطه با سازه والد فرزند، بیشترین اثرات کل مربوط به روان‌آزردگی و برون‌گرایی مادران است؛ بنابراین برون‌گرایی مادر باعث افزایش رابطه مادر با کودک و روان‌آزردگی منجر به کاهش این رابطه می‌شود. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های یزدخواستی و قاسمی (۱۳۹۰) و روهنر^۱ (۲۰۰۷) هم‌راستا است. می‌توان بیان داشت که از میان پنج عامل شخصیتی، سه عامل روان‌آزردگی، برون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری از برجسته‌ترین عوامل در تحقیقات مرتبط با شخصیت هستند که با فرزندپروری نیز ارتباط دارند (کلارک و همکاران، ۲۰۰۰). شخصیت در تعامل با استرس‌ها و منابع حمایتی محیط، ظرفیت والدین را برای مراقبت و بهبود رشد کودکان تعیین می‌کند. در این میان والدینی که روان‌آزردگی بیشتر و انعطاف‌پذیری کمتری دارند بی‌قراری و عصبانیت بیشتری ابراز می‌کنند و رابطه صمیمانه کمتری با کودکان خود دارند. در مقابل والدینی که برون‌گرایی بیشتر و روان‌آزردگی کمتر نشان می‌دهند، فرزندپروری گرم‌تر و ساختاریافته‌تری دارند، تعاملات مثبت بیشتری نشان می‌دهند، به اندازه کافی پاسخگو هستند و محیطی که در آن کودکان را تربیت می‌کنند ساختاریافته‌تر و باثبات‌تر است (لوپو و دلیر^۲، ۲۰۱۴).

به دلیل اینکه والدین باید از مهارت‌های لازم برخوردار باشند تا بتوانند بر اساس اصولی، پیوند روحی و فکری با فرزندان برقرار کنند و بهتر بتوانند نقش تربیتی خود را ایفا کنند، همچنین کیفیت رابطه زناشویی و میزان شادمانی زناشویی تابع نحوه تعامل همسران و شیوه مقابله آن‌ها با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی است. چنین به نظر می‌رسد که شخصیت، الگوهای تعامل زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از پرسشنامه پنج عامل شخصیتی نئو به‌عنوان مقیاس سنجش سبک‌های ارتباطی، هیجانی و انگیزشی در برنامه‌های مشاوره پیش از ازدواج بر افزایش هرچه بیشتر استحکام ازدواج و خانواده‌پروری به نظر می‌رسد. استفاده از این پرسشنامه در مشاوره ازدواج کمک می‌کند تا افراد درک بهتری از خود داشته باشند، رابطه بین شخصیت‌های خود با یکدیگر را دریابند و نیز به این نکته پی ببرند که هر یک خود را متفاوت از آن چیزی می‌بیند که طرف مقابل برداشت می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد

1. Rohner
2. Lopoo & DeLeire

می‌شود مشاوران خانواده در دو سطح توجه به ویژگی‌های شخصیتی زوجین را کانون مداخلات خویش قرار دهند. نخست در مشاوره‌های پیش از ازدواج همسانی شخصیتی نامزدها بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت را مورد توجه قرار دهند و به‌طور ویژه ظرفیت‌های بالقوه بعضی خصایص شخصیتی از جمله روان‌آزردگی (پیش‌آگهی بد در آسیب‌های ازدواج) و برون‌گرایی، توافق و وظیفه‌شناسی (پتانسیل مثبت) در آتیه زندگی زناشویی و سازگاری زوجین را مورد توجه قرار دهند. دوم در مشاوره‌های زناشویی در مراحل گوناگون درمان؛ تشخیص، مداخله پروفایل غالب شخصیت زوجین و تشابهات و تفاوت‌های شخصیتی آن‌ها را مطمح نظر قرار دهند. همچنین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط افراد متخصص جهت روشن ساختن اهمیت روابط زناشویی و ارتباط مؤثر والدین با فرزندان اقدام شود. از میان محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به جامعه مورد پژوهش، گردآوری داده‌ها در مقطع زمانی خاص، روش خودسنجی و استفاده از پرسشنامه، عدم کنترل متغیرهایی چون باورهای مذهبی، راهبردهای مقابله‌ای و نوع ساختار خانواده اشاره کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که پرسشنامه‌ها به‌ویژه پرسشنامه رضایت زناشویی بر اساس جمعیت و فرهنگ ایران تدوین و هنجاریابی شود به‌علاوه همراه پرسشنامه از مصاحبه و مشاهده استفاده و با انجام پژوهش کیفی عوامل رضایت زناشویی زنان دقیق‌تر ارزیابی و تحلیل شود تا شاید نتایج حاصل از آن بتواند وضعیت فعلی زنان ایران را بهتر توصیف کند.

سپاسگزاری

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکتری مصوب و دفاع شده در دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه استخراج شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از مساعدت شرکت‌کنندگان در این پژوهش اعلام کنند.

فهرست منابع

- احمدی فارسانی، مریم؛ باقری، ناصر و شریفی، طیبه. (۱۳۹۹). تأثیر آموزش مادران بر رابطه والد-کودک در دانش‌آموزان دارای اضطراب. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۷(۳)، ۱۴۲-۱۲۷.
- ثنایی ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس سنجش خانواده*. تهران: بعثت.
- چهره، هاشمیه؛ ازگلی، گیتی؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه و نصیری، ملیحه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی بر اساس مدل پنج عامل بزرگ شخصیتی: مرور سیستماتیک. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۲۲(۵)، ۱۳۲-۱۲۱.
- رحمتی، مریم؛ احمد برآبادی، حسین و حیدرنیا، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر برنامه غنی‌سازی روابط زوجین مبتنی بر طرح وقت زندگی بهتر برای زن و شوهرها بر سازگاری زناشویی زنان با ازدواج زودهنگام. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۱)، ۲۵۸-۲۳۵.
- زارع درخشان، احترام و روشن چسلی، رسول. (۱۳۹۹). رابطه بین رضایت جنسی، خودکارآمدی جنسی و شادکامی بر رضایت زناشویی: نقش میانجی ناگویی هیجانی. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۸(۱)، ۱۶-۱.
- شفیعی کندجانی، علیرضا؛ شفییعی، صنم؛ وطن‌خواه، سولماز و فرورشی، محمود. (۱۳۹۹). وضعیت اجتماعی - اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روان والدین کودکان مبتلا به طیف اوتیسم. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۷(۳)، ۱۰۴-۸۹.
- شکری، آرزو؛ شفیع‌آبادی، عبدالله و دوکانه‌ای فرد، فریده. (۱۴۰۰). مدل یابی ساختاری قدرت ایگو با موفقیت شغلی و میانجیگری رضایت زناشویی و عزت‌نفس. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۲(۴۵)، ۲۳۸-۲۱۳.
- شیخ زین‌الدین، حمیده؛ فرخی، نورعلی و عباس پورآذر، زهرا. (۱۳۹۷). نقش میانجیگر سرمایه روان‌شناختی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۲(۳)، ۴۶۹-۴۳۲.
- کوهی، سمانه؛ اعتمادی، عذرا و فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. *فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۴(۱)، ۸۴-۷۱.
- کیانی، احمدرضا؛ فتحی، داود؛ هنرمند قوجه بیگلو، پژمان؛ عبدی، سیما و استاجی، رضا. (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های دل‌بستگی، حکایت اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای با تاب‌آوری روان‌شناختی در افراد دارای تجربه سوگ: ارائه مدل تحلیل مسیر. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۱)، ۱۸۰-۱۵۷.
- گروسی فرشی، میرتقی؛ محمودعلیلو، مجید و اسمعیلی کورانه، احمد. (۱۳۸۶). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای مجرمین با افراد بهنجار. *روانشناسی معاصر*، ۹(۳)، ۳۱-۲۴.

نیک‌نژاد، الهه و عسگری، پرویز. (۱۳۹۸). اثربخشی گروه‌درمانی به شیوه تحلیل تبدیلی بر ابراز احساسات، افزایش احترام متقابل، حل تعارض زناشویی و رضایت زناشویی. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۴(۴۷)، ۱۴۶-۱۲۹.

یاریگر روش، محیا؛ عامری، فریده؛ فرح بیجاری، اعظم و دهشیری، غلامرضا. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی و رابطه مادر-کودک در استفاده آسیب‌زای مادران از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشکلات رفتاری کودکان (مطالعه کمی و کیفی). فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۰(۲)، ۱۵۸-۱۳۷.

یزدخواستی، فریبا و قاسمی، سحر. (۱۳۹۰). رابطه بین شخصیت والدین و طرد و پذیرش کودکان توسط آن‌ها. مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ۷(۱۲)، ۱۴۴-۱۳۱.

- Asoodeh, M.H. (2010). Factors of successful marriage: accounts from self-described happy couples. *Procedia social and behavioral science*, 5, 2042-2046.
- Benzi, I., Preti, E., Di Pierro, R., Clarkin, JF. & Made ddu, F. (2019). Maladaptive personality traits and psychological distress in adolescence: The moderating role of personality functioning. *Personality and individual differences*, 140, 33-40.
- Clark, L. A., Kochanska, G., & Ready, R. (2000). Mothers' personality and its interaction with child temperament as predictors of parenting behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79(2), 274-285.
- Costa, P.T. & McCrae, R. R. (1999). *Revised NEO personality inventory And NEO five factor inventory*. Lutz, Florida: Psychological Assessment Resource, Inc.
- Fine, M.A., Moreland, J.R., & Schwebel, A. (1983). Long-term Effects of divorce on parent-child relationship. *Developmental Psychology*, 19(5), 703-713.
- Fowers, B.I., & Olson, D.H. (1989). Enrich marital inventory Discriminated validity and cross-validity assessment. *Journal of marital and family therapy*, 15, 65-79.
- Guidi, A., Gentili, C., Scilingo, EP., & Vanello, N. (2019). Analysis of speech features and personality traits. *Biomedical signal processing and control*. 51, 1-7.
- Lopoo, L. M., DeLeire, T. (2014). Family structure and the economic wellbeing of children in youth and adulthood. *Social Science Research*, 43, 30-44.
- Rohner, R. (2007). *Handbook for the study of parental acceptance and rejection*. USA: Rohner research publications.
- Schaffhuser, K., Allemand, M. & Martin. R. (2014). Personality traits and relationship satisfaction in intimate couples: three perspectives on personality. *European Journal of personality*, 28(2), 120-133.
- Whisman, A., Gilmour, L., & Salinger, M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health psychology*, 37(11), 1041-1044.
- Xuemei Hu, J., & Tarrezz Nash, Sh. (2019). *Marriage and the Family: Mirror of Diverse Global Society*. Routledge.

